

نقش محیط طبیعی خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز در نبرد ناهم‌تراز

سید ابراهیم قلی زاده^۱
بشیر کلاری^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۱۳
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۰/۴

چکیده

تفاوت در توانایی کشورها در بعد فناوری و بهره‌گیری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیر دشمن، استفاده از فن آوری‌های پیش‌رفته، استفاده از روش‌های مبتکرانه برای دستیابی به موضع برتر و تضعیف اراده‌ی دشمن، موجب ناهم‌تراز شدن نبردها گردیده است. نبرد ناهم‌تراز دارای مولفه‌های بنیادی و اساسی است که یکی از مهم‌ترین آنها بهره‌گیری از محیط جغرافیایی می‌باشد. با توجه به تفاوت فن آوری جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش، طبق برآورد کارشناسان نظامی، درگیری نظامی احتمالی بین آنها از نوع ناهم‌تراز خواهد بود و یکی از مناطق اصلی درگیری خلیج فارس و تنگه هرمز است. بر این اساس سوال اصلی این مطالعه آن است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از توان‌های محیط طبیعی خلیج فارس و تنگه هرمز در قالب نبرد ناهم‌تراز، بخشی از نواقص دفاع را جبران نمود؟ پس از مطالعه به روش توصیفی - تحلیلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که با بهره‌گیری مناسب از ارتفاعات زاگرس و تپه‌های ساحلی مشرف بر خلیج فارس و تنگه هرمز، شکل مقعرگونه‌ی تنگه‌ی هرمز، جزایر موجود در تنگه و وضعیت قرارگیری آنها در منطقه‌ی میانی، خط دفاعی ایجاد شده در تنگه هرمز توسط جزایر هفت گانه، وضعیت عمق آب در منطقه‌ی میانی و شمالی خلیج فارس، جنگل طبیعی حرا، وضعیت خاص آب و هوای منطقه و شکل، اندازه و وضعیت سواحل جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس، بر توان دفاعی کشور در این منطقه بر اساس الگوی نبرد ناهم‌تراز، افزود.

واژگان کلیدی

نبرد ناهم‌تراز، محیط طبیعی، خلیج فارس، تنگه هرمز، جزایر ایرانی

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲. دانشجوی دوره دکتری جغرافیای نظامی دانشگاه جامع امام حسین (ع)



در طول تاریخ ایران، جنگ، خونریزی و تجاوز به مرزهای این کشور به وفور دیده می‌شود. به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی و وجود ذخایر فراوان معدنی، ایران همواره مطمع نظر همسایگان و دولت‌های برتر دنیا بوده است. در حال حاضر نیز به دلیل ظهور انقلاب اسلامی در ایران و روحیه‌ی استقلال جوئی آن در سه دهه‌ی اخیر، قدرت‌های فرامنطقه‌ای دنیا مثل آمریکا، انگلیس و هم پیمانان، با بکارگیری ترفندهای گوناگون در پی تغییر نظامی سیاسی واز بین بردن حاکمیت مردمی آن هستند.

در برآوردهای نظامی کارشناسان، جنگ در خلیج فارس و تهدید جمهوری اسلامی ایران از سوی کشورهای فرامنطقه‌ای و حمله به مرزها و قلمرو آبی آن (آب‌های سرزمینی، جزایر، سواحل و...) دور از انتظار نیست. علی‌رغم افزایش بنیهی نظامی، تسلیحاتی، تجهیزاتی و وجود راهبردهای متنوع در دفاع از حاکمیت ملی کشور، به واسطه‌ی غیر قابل مقایسه بودن امکانات و توان دولت‌های فرامنطقه‌ای با امکانات جمهوری اسلامی ایران - که حتی بر مسئولین و کارشناسان امر پوشیده نیست- اتخاذ راهبرد نبرد ناهم تراز، منطقی‌ترین شیوه در مقابل جنگ احتمالی آینده است. در این میان استفاده و بهره‌گیری از توان‌های محیط جغرافیای طبیعی خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز در جنگ احتمالی آینده، کمک شایان توجهی به دفاع منطقی و اثرگذار در برابر تهاجم دشمنان خواهد نمود و یا اینکه متخاصمان را از ادامه‌ی حملات خود منصرف خواهد کرد. بدین ترتیب سوال اصلی این مطالعه آن است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از توان‌های محیط طبیعی خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز در قالب نبرد ناهم تراز، بخشی از نواقص دفاع را جبران نمود؟

مبانی نظری تحقیق

در طول تاریخ بشر، جنگ‌های متعددی به وقوع پیوسته است که هریک ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که با جنگ‌های دیگر تفاوت دارد؛ با این حال با توجه به نقطه‌های مشترک این جنگ‌ها، می‌توان آنها را به چند نسل تفکیک کرد: اولین نسل جنگ مربوط به جنگ‌هایی است که در آن‌ها تاکتیک صف و ستون، حاکم بر صحنه‌ی رزم بوده است. جنگ‌ها به صورت رسمی و بسیار منظم منطبق با فرهنگ نظامی و در یک میدان رزم منظم روی می‌داد. کلیه‌ی علائم، نشانه‌ها و شاخصه‌هایی که وجه تمایز نیروی نظامی با غیرنظامی است، مربوط به این دوره می‌باشد. جنگ‌های زمان ناپلئون در این گروه قرار می‌گیرد. دومین نسل جنگ به دوران جنگ جهانی اول و تاکتیک‌های رزمی حاکم در این دوره اشاره دارد. به کارگیری قدرت آتش انبوه متمرکز و کنترل شده، نابودی قطعی دشمن، اطاعت محض و رعایت دقیق



سلسله مراتب، هم‌زمانی دقیق طرح‌ها و دستورات، از ویژگی‌های بارز این دوره است. دامنه‌ی این نسل تا به امروز نیز کشیده شده است. سومین نسل جنگ، به جنگ جهانی دوم بر می‌گردد و مبتنی بر راهبرد و حمله‌ی رعدآسا و جنگ‌های مانوری است. عناصری هم‌چون سرعت عمل، غافل‌گیری، روحیه، خلاقیت و انضباط فردی نیروها، به عنوان عامل مؤثر در جنگ بوده و جنگ‌ها به صورت غیرخطی اتفاق می‌افتاد و اداره می‌شد. چهارمین نسل جنگ متکی بر اصولی هم‌چون تمرکززدایی، ابتکار عمل، از بین رفتن وضعیت انحصاری جنگ‌ها و ناهم‌ترازی است که توسط نهادهای دولتی، غیردولتی و گروه‌های رزمی کوچک، سبک، ماهر، متحرک، مقاوم، خودکفا، باروحيه و بانگیزه، قابل انجام و اجرا است و همراهی، هم‌گامی و گرّه خوردن با توده‌های اجتماعی و مردمی، از اصول حتمی و موفقیت‌آمیز در این جنگ‌ها (لینو، ۱۳۸۴) و ناهم‌ترازی از ویژگی‌های بارز آن است.

با وجود این که ناهم‌ترازی جنگ‌ها بیشتر با جنگ‌های نسل چهارم عجین گشته است؛ ولی ناهم‌ترازی به مفهوم نابرابری و تفاوت‌های نظامی، پدیده‌ای جدید نبوده (Ellis, 1986) و سابقه‌ی آن به تاریخ جنگ‌های گذشته برمی‌گردد، چراکه همه‌ی جنگ‌ها تا اندازه‌ای ناهم‌تراز بوده‌اند (Bellamy, 2002 : 152) یا همه‌ی جنگ‌ها می‌توانند ناهم‌تراز باشند. (سفرانچکوف، ۱۳۸۳: ۷۸) با این حال نه اصطلاح «نبرد ناهم‌تراز» و نه اصطلاحات «جنگ نسل چهارم»^۱ یا «جنگ غیرخطی»^۲ که گاه به عنوان مترادف آن بکار می‌روند، به صورت روشن تعریف و تبیین نشده‌اند. (DeVito, 2002 : 33) در این جا سعی می‌گردد، به طور خلاصه «نبرد ناهم‌تراز» تعریف و مبانی نظری آن بیان گردد. نبرد ناهم‌تراز در متون مختلف تحت عنوان «جنگ نامتقارن» و «جنگ ناهمگون» نیز آمده است که در این مطالعه از واژه‌ی «نبرد ناهم‌تراز» استفاده می‌گردد.

به طور رسمی و برای نخستین بار در سال ۱۹۹۷ در گزارش چهار سالانه‌ی بررسی دفاعی ایالات متحده، مفهوم نبرد ناهم‌تراز مورد توجه جدی قرار گرفت. در آن گزارش چنین آمده است: «دشمنان ممکن است، تلاش کنند تا با استفاده از نقاط ضعف ما و به کارگیری شیوه‌های کاملاً متفاوت با شیوه‌های نظامی آمریکا، قوای ما را مغلوب و تضعیف کنند». در دسامبر ۱۹۹۹ استراتژی امنیت ملی آمریکا برای قرن جدید (سند اصلی امنیت ملی آمریکا) در تعریف نبرد ناهم‌تراز می‌نویسد: «رویکردهای نامتعارفی که دشمن ضمن بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر ما، از نقاط قوت ما برحذر مانده یا آنها را تضعیف کند». انسیتو روابط بین‌الملل و استراتژیک (IRIS) پاریس نیز می‌نویسد: از منظر راهبردی، تراز به مفهوم مبارزه با سلاح‌های برابر، تصور شده و ناهم‌تراز به معنای تلاش یکی از طرف‌های متخاصم برای

1 - Fourth-generation warfare

2 - Non-linear war



دستیابی به بررسی کیفی و یا کمی جنگ است و جنگ ناهم تراز مربوط به عکس این اقدام است. یعنی بهره‌گیری از تمام نقاط ضعف دشمن برای آسیب رساندن هرچه بیشتر به آن.» (کورمونت، ۱۳۸۵: ۳۳) علاوه بر این‌ها تعاریف دیگری نیز از نبرد ناهم تراز شده است که تعدادی از آنها به شرح ذیل می‌باشد:

- نبرد ناهم تراز، یک دانش واژه‌ی نظامی است که برای توصیف نوعی از جنگ استفاده می‌شود که طرف‌های درگیر در آن از حیث فناوری و توانایی‌های نظامی در جنگ در یک سطح قرار ندارند، به همین سبب روش‌های مورد استفاده‌ی آنان در جنگ علیه یکدیگر، متفاوت از هم است (الیاسی، ۱۳۸۲).

- ستاد مشترک ارتش آمریکا نیز تعریفی در خصوص مفهوم ناهمگون ارائه می‌نماید. از نظر آن ستاد، نبرد ناهم تراز عبارت است از «به‌کارگیری رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او، از طریق فناوری غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه» (مکنزی، ۱۳۸۲: ۵) - نبرد ناهم تراز، جنگی است که در آن طرفین درگیر از لحاظ دسترسی به امکانات رزمی، با هم تناسبی نداشته و در یک سطح یکسان قرار ندارند، لذا احتمال کاربرد یک‌طرفه‌ی نیروی نظامی از سوی قدرت برتر بر ضد دیگری وجود دارد.

- نبرد ناهم تراز، به حالتی اطلاق می‌شود که دو یا چند جبهه‌ی مخالف در برابر هم قرار گرفته باشند و یکی از طرفین، قدرت نظامی کم‌تری نسبت به دیگری داشته باشد و برای پیروزی و نه پذیرفتن تسلیم، از هر روشی خواه متعارف و یا غیرمتعارف در تضعیف و عقب‌نشاندن دشمن استفاده کند. نبرد ناهم تراز می‌تواند جنبه‌های گوناگونی را در برگیرد. حمله‌ی شیمیایی، هسته‌ای یا بیولوژیک، حمله اطلاعاتی، حمله‌ی تبلیغاتی یا جنگ روانی و یا حتی اقتصادی از آن جمله است. (صفوی، ۱۳۸۷: ۴۸)

- نبرد ناهم تراز عبارت است از درگیری خارج از اصل و قاعده، یا شیوه‌ای غیرمستقیم و فریب‌آمیز جهت تأثیرگذارن بر موازنه و برابری نیرو در مقابل دشمن و ضربه به دشمن از طریق شناسایی نقاط ضعف آن (دانیالی، ۱۳۸۳: ۴)

- درگیری خارج از قاعده در تمامی سطوح تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی که طرف ضعیف‌تر سعی در حداکثر بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن و توانمندی‌های بدیع خود در ابعاد فیزیکی و روانی جنگ همراه با یافتن راه‌های مبتکرانه جهت تغییر اراده‌ی دشمن را دارد. (افتخاری و کامکار، ۱۳۸۷: ۱۷۸) به عبارت دیگر، نبرد ناهم تراز، تلاش‌هایی است که به منظور آسیب رساندن به توانمندی با بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن انجام می‌گیرد. نبرد ناهم تراز از روش‌هایی است که به‌طور عمده با روش عملیات مورد انتظار دشمن



مغایرت دارد. رویکردهای ناهم تراز به طور کلی اثر شدید روانی است، مانند ضربه (شوک) یا نوعی سردرگمی که روی ابتکار، آزادی عمل یا میل و اراده‌ی دشمن اثر می‌گذارد. اتخاذ روش‌های ناهم تراز نیاز به برآورد آسیب‌پذیری‌های دشمن دارد. رویکرد ناهم تراز اغلب از ابتکار عمل تاکتیکی غیرسنجی، تسلیحات و یا فناوری‌ها بهره‌گیری می‌نماید که می‌تواند در تمام سطوح جنگ (تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی) و دیگر طیف‌های عملیات نظامی مورد استفاده قرار گیرند.

نبرد ناهم تراز مثل هر درگیری دیگری، مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی دارد که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن می‌توان به تکرارپذیری، کوتاه‌مدت بودن، غافل‌گیرانه بودن (تاکتیکی و راهبردی)، غیرقابل پیش‌بینی بودن، صحنه نبرد مشخص نداشتن، نامشخصی و نامعینی جنگ‌جویان، نداشتن ابزار و فناوری مشخص، داشتن فضای مانور زیاد، ضربه‌ی دقیق عملیاتی، داشتن واحدهای اجرایی و رزمی کوچک، اشاره نمود (دافوس آجا، ۱۳۸۶: ۲۱). همچنین نبرد ناهم تراز دارای مولفه‌های بنیادی و اساسی است که از مهم‌ترین آن می‌توان به انسان محوری، اتکای به مردم، حفظ توان، هم عرصگی، تمرکز علیه موضع ویژه، فرسایش، عدم قطعیت، بهره‌گیری از جغرافیا، جنگ اطلاعات، فریب و غافل‌گیری و عملیات روانی اشاره کرد (صفوی، ۱۳۸۷: ۵۹). در بین این موارد، بهره‌گیری از جغرافیا یکی از موثرترین مولفه‌ها در جنگ‌های ناهمگون است که در این مطالعه به آن پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

روش پژوهش در این مطالعه به صورت توصیفی - تحلیلی است و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از آثار مکتوب و میدانی از طریق مشاهده‌ی مکرر منطقه است.

توانمندی‌های محیط طبیعی منطقه در راستای نبرد ناهم تراز

بهره‌گیری مناسب از محیط جغرافیایی و استفاده‌ی بهینه از منطقه‌ی عملیات و پویایی عوارض ارزشمند طبیعی زمین در زمان‌های متفاوت، به همراه توجه به ظرائف منطقه، راهکارهای مناسبی را فراروی نیروهای مسلح، می‌گشاید. توانمندی‌های منطقه‌ی استراتژیک خلیج فارس که با استفاده از آنها می‌توان در الگوی دفاع ناهم تراز، از مرزهای آبی و خشکی کشور، حراست و پاسداری نمود به شرح زیر قابل بررسی است:

الف - وجود ارتفاعات زاگرس و تپه‌های ساحلی مشرف بر خلیج فارس و تنگه هرمز

ارتفاعات زاگرس همانند سدی عظیم و طبیعی، شمال غرب تا جنوب شرق ایران را پوشانده است، نقش کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی زاگرس در دفاع مقدس در استان آذربایجان غربی،



کردستان، کرمانشاه، ایلام و گیلان غرب در عملیات‌های گوناگون و تاثیر آن بر پیروزی‌های رزمندگان اسلام، به وضوح بیانگر تاثیر مستقیم عوامل طبیعی بر سرنوشت هر حرکت نظامی است.

زاگرس، به صورت یکی از بزرگ‌ترین واحدهای ناهمواری خاورمیانه، از سواحل شرقی دریای مدیترانه آغاز شده و در مشرق تنگه‌ی هرمز، در امتداد هزاران کیلومتر، به جلگه‌ی ساحلی دریای عمان ختم می‌شود. این مجموعه به صورت دیوارهای موازی یا منقطع، در پهنایی به طول متوسط ۲۲۵ کیلومتر گسترده شده و به شکل بزرگ‌ترین سدّ طبیعی، در حفاظت از مرزهای جنوبی، نقش تعیین کننده‌ای دارد (محمودی، ۱۳۷۹: ۲۴۴). به تدریج به سمت خلیج فارس از ارتفاع آن کاسته می‌شود. مرتفع‌ترین پله، منطبق بر زاگرس شکسته می‌باشد و پله‌های دوم و سوم، به ترتیب با زاگرس چین خورده و هموار در ارتباط است. این تسلط فیزیکی از سمت داخل ایران به خارج، بر اهمیت دفاعی آن می‌افزاید.

یکی دیگر از ویژگی‌های زاگرس، به ویژه در استان‌های ساحلی، حضور گنبد‌های نمکی فراوان و غالباً پر حجم است. این گنبد‌ها به‌طور محلی نظم ناهمواری‌های سیستم زاگرس را بر هم زده است. در مجموع از نظر موقعیت، و شکل ناهمواری‌های محلی، بر اهمیت دفاعی این قلمرو افزوده است. هر چند حضور آنها سبب آلودگی آب‌ها و سختی اقامت در اطراف این عوارض شده است (همان).

باریک‌ترین بخش زاگرس چین خورده، در مشرق تنگه هرمز حدود ۱۰ کیلومتر است. چون امتداد محوری کوهستان‌ها با سواحل شمالی خلیج فارس موازی است، بنابراین هر رشته کوه به نوبه‌ی خود به صورت سدّی در برابر حملات خارج به‌خوبی ظاهر خواهد شد. در نتیجه، می‌توان از این کوهستان‌ها به عنوان پایگاه‌های مطمئن در دفاع استفاده کرد؛ چرا که به تدریج به سمت ساحل کاهش می‌یابد. چنانچه کوهستان‌های اطراف ساحل در اختیار دشمن قرار گیرند، به علت ارتفاع بیشتر، رشته‌های داخلی نقش دفاعی مهم‌تری را دارا خواهند بود.

از بندر بوشهر تا بندر عباس، بخش اعظم ساحل، از چین‌های طاق‌دیس‌ی تشکیل شده و حتی در مواردی به سمت مشرق، تعدادی از چین‌ها با آب خلیج فارس پوشیده شده است و در مجموع قابلیت دفاعی این بخش از ساحل بسیار بالاست، لیکن به دلیل خشکی زیاد، وجود گنبد‌های نمکی و آلوده شدن آب‌های جاری، امکانات زیست بسیار اندک است. لذا برای اقامت دراز مدت در عرصه‌ی دفاع، مستلزم پیش‌بینی‌های قبلی است (همان). بلندی‌های حمیرین در شمال خوزستان و تپه‌های تنگه چزابه، در جلوگیری از نفوذ دشمن و فراهم نمودن دفاع در برابر این تهاجم، نتیجه بهره‌گیری از عامل طبیعی ارتفاع است.



جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استقرار سکوی موشکی ثابت و متغیر در داخل ارتفاعات، تپه‌ها، شیارها و گردنه‌ها و بسیاری ارتفاعات و تپه‌های موجود در سواحل خلیج فارس و با رعایت اصل استتار و اختفا و بهره‌گیری از تکنولوژی ارتباطات و عدم کشف و داشتن گرای ثبتي مسیرهای دریانوردی و پایگاه‌های دائم و موقتی دشمن، ضربات مناسبی به هر مهاجمی وارد نماید که این امر، یکی از کارکردهای مهم درنبرد ناهم تراز است (شکل شماره ۱).



شکل ۱: وضعیت توپوگرافی سواحل شمالی خلیج فارس

در طول ساحل خلیج فارس خاصه، حد فاصل بندر عباس تا بندر لنگه، وجود این ارتفاعات ذیقیمت و بسیار عالی، فضای مناسبی را برای استقرار سکوهای موشکی، توپ‌های ساحل به دریا، یگان‌های پشتیبانی، تجهیزات و تسلیحات شناوری، پایگاه گارد ساحلی و شناورهای کوچک و نفرت، ایجاد کرده است که با مقداری هزینه و اعتبار، هیچ دشمنی توانائی ضربه زدن و کشف آن را ندارد و با این امکانات و وضعیت، می‌توان کل خلیج فارس و حداقل منطقه‌ی ورودی تنگه هرمز و قسمت میانی خلیج فارس را در عملیات آمفی بی دشمن تحت آتش باری شدید قرارداد و حجم فراوان آتش پشتیبانی برای جزایر ایجاد نمود و با اینکه در جهت جلوگیری از تصرف جزایر تنگه‌ی هرمز و منطقه‌ی میانی خلیج فارس اقدام نمود (شکل شماره ۲).



شکل ۲: وضعیت طبیعی سواحل شمال غرب خلیج فارس

با استفاده از این نقش ویژه، می‌توان مسیر بین‌المللی آبراه دریائی را زیر دید و تیر مستقیم و منحنی قرار داد. در طول شبانه روز نزدیک به ۱۰۰ فروند شناور تجاری، نفتکش و نظامی از این آبراه عبور می‌کنند که قسمت اعظم این آبراه در داخل مرز آبی ایران قرار



دارد و این که به طور بسیار واضح در دید و تیررس نیروی نظامی ایران قرار دارد و با داشتن گرای ثبتي نقاط مهم آبراه، در مواقع لزوم می‌توان ضربات خرد کننده‌ای به دشمن وارد نمود.

ب. شکل مقعرگونه تنگه‌ی هرمز و نقش آن در کاهش قدرت مانور نیروی مهاجم تنگه‌ی هرمز، ناحیه‌ای هلالی شکل است که قوس آن رو به شمال و به طرف داخل فلات ایران است و در نتیجه بیشترین منطقه‌ی ساحلی آن در اختیار ایران است. شکل این تنگه، نمایشگر پیشرفتگی آب در خشکی و تشکیل شبه خلیجی در دهانه‌ی خلیج فارس است (حافظ نیا، ۱۳۷۱).

در کلیه‌ی منابع نظامی و دفاعی مرزهای محدب، زمینه‌ی مناسب را برای آفند و مرزهای مقعر، زمینه مناسبی را برای دفاع ایجاد می‌کند. تنگه هرمز از محدوده ورودی تا خروجی، شکلی مقعر در منطقه‌ی ساحلی ایران ایجاد کرده است که این مورد شرایط پدافندی مطلوبی را برای ایران فراهم نموده است. با توجه به این که تمام ساحل شرقی، شمالی و شمال غرب تنگه هرمز در طول شبانه روز مسیر تردد شناورهای سطحی و زیر سطحی به مقصد خلیج فارس و بلعکس می‌باشد، می‌تواند زیر نظر و تیر مرزبان‌های ایران قرار گیرند و دیگر این که از محل ورودی تنگه هرمز به سمت شمال تنگه، عرض تنگه کاهش می‌یابد و این امر، عامل مهمی در کاهش قدرت مانور دشمن در بروز هرگونه تهدیدات می‌باشد و فضای مطلوبی را برای نیروی مدافع ایجاد می‌نماید (شکل شماره ۳).



شکل ۳: نمای مقعر تنگه هرمز در سواحل شمالی

تنگه‌ی هرمز به منزله‌ی خط حائل ایران از اقیانوس هند است؛ بدین ترتیب که بزرگ‌ترین و نزدیک‌ترین راه ارتباطی اقیانوس هند به داخل فلات ایران از بندر عباس و شمال تنگه هرمز می‌گذرد و چون بندرعباس تکیه‌گاه بحری ایران است و حذف آن از ایران یا کنترل تنگه‌ی هرمز توسط یک نیروی خارجی، به تغییر وضعیت ایران منجر می‌شود و این کشور را به یک قدرت بحری تبدیل می‌نماید؛ پس تنگه‌ی هرمز دارای موقعیت بی بدیلی برای حمله به ایران یا صیانت از آن است. اگر با کنترل یک قدرت خارجی بر تنگه‌ی هرمز، خلیج فارس به یک



دریای بسته تبدیل شود، قابلیت‌های ایران خنثی و این کشور در معرض حملات متعدد قرار می‌گیرد (نصری، ۱۳۸۳: ۱۶).

به تعبیر ژنرال کاستس (kastecs) جهان به سه صحنه‌ی عملیاتی عمده یعنی اقیانوس اطلس، اقیانوس آرام و اقیانوس منجمد شمالی تقسیم می‌شود که وقوع بحران در شاخک‌های این صحنه‌های اصلی و گسترش آن به صحنه‌های عمده، می‌تواند موجب جنگ جهانی شود که یکی از سدهای مهم این بحران، تنگه هرمز است (همان).

ج. جزایر موجود در تنگه و وضعیت قرارگیری آنها در منطقه‌ی میانی تنگه

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از نظر امنیتی به تنگه هرمز و جزایر موجود در آن بسیار وابسته است، اقتصاد، بازرگانی، تجارت نفت و صادرات آن در طول شبانه روز از طریق تنگه‌ی هرمز صورت می‌گیرد و در صورت هرگونه تهدید و یا از دست دادن جزایر تنگه و یا تنگه‌ی هرمز، حاکمیت ایران از نظر امنیتی به مخاطره خواهد افتاد.

در کل در بین مناطق آبی و تنگه‌های جهان، فقط تنگه هرمز است که دارای جزایر بسیار مهم و حیاتی است که این امر در جهت دفاع از تنگه، ساحل و مرزهای خشکی و حاکمیت و امنیت کشور نقش اساسی دارد. ایران در سمت شمال تنگه‌ی هرمز، حداقل هفت جزیره‌ی استراتژیک دارد که عبارتند از: قشم؛ هرمز، لارک، هنگام، ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک. این جزایر از نظر استقرار تاسیسات کنترلی و استحکامات دیده بانی اهمیت دارند و از نظر اقتصادی نظیر منابع زیرزمینی، مرکزیت تجاری و توریستی حداقل در حال حاضر اهمیت خاصی ندارند (نصری، ۱۳۸۳: ۱۲).

در دیدگاه نظامی، جزایر موجود در تنگه‌ی هرمز، (هرمز، هنگام و لارک) به‌عنوان سرپل‌های دفاعی در برابر هرگونه تهاجم و عملیات رهگیری، و جزیره‌ی قشم به‌عنوان جزیره‌ی پشتیبانی به‌صورت عام بکار می‌رود. ارتباط بسیار آسان استان هرمزگان و بندرعباس با جزیره‌ی قشم و این جزیره با جزایر پیش روی خود، تعامل مناسبی را در هنگام منازعه و دفاع برقرار می‌کند.

در حال حاضر آبراه بین‌المللی و کلیه‌ی شناورها به ناچار از کنار این جزایر عبور می‌کنند که این امر برگ برنده‌ای برای ایران است. هم اکنون کلیه‌ی این شناورها هنگام عبور، در معرض دید هستند و حدود ۱۸۰ کیلومتر از مسیر تنگه، در امتداد جزایر یاد شده قرار دارد. همان طوری که شکل شماره ۴ نشان می‌دهد، چهار جزیره‌ی اشاره شده به انضمام جزایر تنب بزرگ و کوچک و بوموسی، یک خط و سپر دفاعی را در میان دریا در برابر هر نیروی مهاجم ایجاد می‌کند.



شکل ۴: موقعیت جزایر استراتژیک ایرانی نسبت به تنگه‌ی هرمز

د. خط دفاعی ایجاد شده در تنگه هرمز توسط جزایر هفت گانه

منطقه‌ی خلیج فارس نواحی آبی، خاکی و ساحلی مختلفی دارد که وقوع تحول در آنها بازتاب فرامنطقه‌ای وسیعی در پی دارد. به همین دلیل کشورهای همجوار این نواحی کوشیده‌اند با تحکیم و تثبیت کنترل خود بر این نواحی، از موقعیت برتری برخوردار شوند. به عنوان نمونه می‌توان از جایگاه ناحیه‌هایی چون تنگه‌ی هرمز، جزیره‌ی ابوموسی، جزیره‌ی بوبیان، جزیره‌ی قشم و اروندرود یاد کرد که وقوع تحول در آنها فقط به کشورهای ساحلی محدود نمی‌شود؛ بلکه طیف مختلفی از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را در برمی‌گیرد.

همان طوری که شکل شماره ۵ نشان می‌دهد، چهار جزیره‌ی اشاره شده به انضمام جزایر تنب بزرگ و کوچک و بوموسی یک خط و سپر دفاعی را در خلیج فارس در برابر هر نیروی مهاجم ایجاد می‌کند. نحوه قرارگیری جزایر قشم، لارک، هنگام، هرمز، تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی در منطقه‌ی میانی تا انتهای تنگه‌ی هرمز به طرف خلیج فارس یک سپر دفاعی را در داخل دریا ایجاد نموده است.



شکل ۵: خط دفاعی جزیره محور سواحل شمالی تنگه هرمز

این جزایر از منظر نظامی حکم سرپل دفاعی را دارد و ایجاد یک زنجیره‌ی دفاعی در این محدوده، فضای مناسبی را برای دفاع از خلیج فارس و سپر دفاعی را برای سواحل پشت خود ایجاد می‌کند که اهمیت فراوانی دارد. ورود و خروج کلیه‌ی کشتی‌ها به مقصد خلیج فارس، به‌واسطه‌ی عبور از آبراه بین‌المللی موجود در میان این جزایر، نیازمند عبور از این سپر دفاعی است که این موضوع اهمیت آن را دو چندان کرده است.



ه. وضعیت عمق آب در منطقه‌ی میانی و شمالی خلیج فارس و نقش آن در دفاع ناهم تراز عمق زیاد آب، امکان کشتیرانی، لنگراندازی در نزدیکی سواحل و ورود کشتی‌های غول پیکر و عبور زیردریایی‌ها را میسر می‌سازد؛ اما عمق کم، ضمن ممانعت از موارد فوق، امکان استخراج ارزان منابع دریایی، جذب جهانگردی و احداث تاسیسات دریایی را امکان پذیر می‌نماید. عمق آب در سواحل ایران بیشتر و در سواحل عربی کمتر و حدود ۲۵ متر است. عمق اندک آب در ۷۵ درصد مساحت خلیج فارس، گویای این نکته‌ی مهم است که از نظر ساختمان زمین و بستر دریا، تمامی خلیج فارس ادامه‌ی طبیعی جلگه‌های اطراف ایران است. اگر عمق آب حدود ۲۰ متر پایین برود، وسعت خلیج فارس به نصف میزان موجود رسیده و از ۲۳۳ هزار کیلومتر مربع به ۱۲۰ هزار کیلومتر مربع می‌رسد (نصری، ۱۳۸۳: ۷).

عمق تنگه از شرق به غرب هم متفاوت است؛ یعنی هر چه از سمت غرب به سمت شرق تنگه برویم، عمق آب افزایش می‌یابد، متوسط عمق آب در نواحی غربی تنگه‌ی هرمز حدود ۲۵ متر و قسمت‌های عمیق آن (نواحی غربی تنگه) به ندرت از ۷۳ متر تجاوز می‌کند (Nicolas k. Guosdev- 2004). این امر عاملی در جهت کاهش قدرت مانور دشمن با شناورهای سنگین می‌باشد.

شناورهای بزرگ، به دلیل حجیم بودن و داشتن آخور زیاد، نیاز دارند در آب‌های با عمق مناسب حرکت کنند. این امر در خلیج فارس و خاصه در منطقه‌ی میانی و شمالی به علت کمی عمق، محدودیت فراوانی را برای شناورهای سنگین و بزرگ که کشورهای فرامنطقه‌ای برای فعالیت‌های خود در مواقع گشت‌های دریائی و تهاجم، از آن استفاده می‌کنند، ایجاد می‌کند و زمینه‌ی مناسبی را برای ابتکار عمل شناورهای سریع که به عمق کم نیاز دارند، به وجود می‌آورد.

جمهوری اسلامی ایران به جهت برخورداری از امکانات شناوری کوچک و سریع و به دلیل داشتن پشتوانه‌ی ساحلی و جزایر، می‌تواند در خلیج فارس با راهبرد نبرد ناهم تراز و در زیر دریا با به‌کارگیری شناورهای زیر سطحی کوچک و سریع که به عمق زیاد نیاز ندارد و یا اینکه با امکاناتی نظیر مین‌های دریائی، قایق‌های کنترل از راه دور، دفاع مناسبی در برابر هر گونه تهاجم را، برنامه‌ریزی نماید.

کمی عمق آب موجب بروز مشکلاتی برای جنگ ضد دریایی‌ها خواهد شد (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۶۷) زیردریائی‌های بزرگ و حجیم دشمن در منطقه‌ی کم عمق خلیج فارس نمی‌توانند ابتکار عمل مناسب داشته باشند؛ زیرا عمق کم در مناطق یاد شده محدودیت زیادی برای آنها ایجاد می‌کند و ایران می‌تواند به عنوان یک نیروی مدافع از این نقش استفاده زیادی نماید.



گشت زنی زیر دریایی‌ها در آب‌های کم عمق برای تولید صداهای برد بلند مناسب نیست و عبور امواج صوتی برد بلند همان گونه که پیش بینی می‌شود، با بالا رفتن سطح آب دریا و صداهای ساطع از سایر منابع طبیعی، با مانع برخورد می‌کند (Ashley Tellis – 1985-213-1186). دیگر اینکه دشمن مجبور است به دلیل این محدودیت طبیعی، از شناورهای کوچک و نیروی انسانی بیشتر برای هر گونه عملیات در این مناطق استفاده کند و به شرط استفاده مناسب ایران از امکانات سطحی و زیر سطحی و شناورهای سریع و نیروهای کار آمد، در هر گونه تهدید، می‌تواند ابتکار عمل را در دست داشته باشد و ضربات خرد کننده‌ای بر دشمن وارد کند.

و. جنگل طبیعی حرا در حاشیه‌ی جزیره‌ی قشم

پوشش گیاهی انبوه و جنگل، همیشه یک عامل مهم و طبیعی در دفاع است، در تاریخ جنگ‌های دنیا، بارها ارتش‌های درگیر، از این عامل استفاده‌ی بهینه نموده‌اند، در طول دفاع مقدس نیز نقش جنگل و پوشش گیاهی در نخل‌های جنوب، نيزار هور الهویزه، جنگل‌های کردستان مثل آلوآتان، بارها نقش خود را در جهت تفوق بر دشمن نشان داده است. استفاده از این نقش برای استتار و اختفای نیرو، تجهیزات و تسلیحات دفاعی، برای هر کشور، در هر منازعه یک فرصت به شمار می‌رود.

در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه لبنان، نیروهای حزب ا... در جهت دفاع از حاکمیت این کشور و دفاع در برابر تجاوز اسرائیل از عامل پوشش گیاهی و جنگل استفاده‌ی بهینه نموده و در این جهت اسرائیل کم‌ترین موفقیت را در برابر حزب ا... داشت. جنگل حرا به دلیل قرارگیری در حاشیه‌ی بندر عباس و جزیره‌ی قشم، مکان بسیار مناسبی در جهت استتار و اختفای مقرهای حساس، تجهیزات و تسلیحات نظامی، نیروها و خاصه شناورها در الگوی دفاع ناهم تراز می‌باشد.

ز. وضعیت خاص آب و هوای منطقه‌ی خلیج فارس

خلیج فارس از لحاظ آب و هوایی یکی از مناطق گرم جهان محسوب می‌شود. قرار گرفتن شبه جزیره‌ی عربستان و صحرای ربع‌الخالی در جنوب آن و وزش بادهای خشک و سوزان به سمت خلیج فارس و مرطوب شدن این جریان، هوایی گرم و شرجی را برای دریای خلیج فارس، جزایر و سواحل آن ایجاد می‌کند. این وضعیت آب و هوایی در خلیج فارس موجب کاهش قدرت دید و برد راداری در سطح آب به دلیل رطوبت بالا، مه دریایی و شرجی بودن هوا می‌گردد و بالا بودن رطوبت، تاثیر بسزایی در کاهش قدرت و کارایی نیروی انسانی و تجهیزات دارد.



سربازان کشورهای آمریکا، انگلیس و هم پیمانانشان که از آمریکا شمالی و اروپای غربی وارد این منطقه می‌شوند، حساسیت فراوانی به آب و هوای گرم منطقه‌ی خلیج فارس دارند و این اهرم، نقش کلیدی در کاهش توان این افراد دارد.

روس‌ها در دوران جنگ جهانی دوم در سرمای ۴۰ درجه زیر صفر و در نیمه‌های شب با استفاده از ابزار و نقش آب و هوا، نیروهای آلمانی را از پشت دروازه‌های مسکو به عقب راندند و آلمانی‌ها توانایی هیچ گونه ابتکار عمل را نداشتند. احمد شاه مسعود از رهبران مبارز و فقید افغانستان در فصل سرد و موقعی که متجاوزین ارتش سرخ با سرمای ارتفاعات افغانستان دست و پنجه نرم می‌کردند، به آنها حمله ور می‌شد و ضربات شدیدی را وارد می‌نمود.

رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس و اتفاقاً در همین خلیج فارس و اروند رود در عملیات کربلای ۳، ۴ و ۵ و یا عملیات والفجر ۸ با استفاده از نقش آب و هوا، جزر و مد، بارندگی و باد، ضربات مهلکی بر دشمن وارد نمودند و برای اولین بار در خاک و حوزه‌ی آبی دشمن نفوذ کرده، مناطق مهمی از سرزمین‌های عراق را آزاد نمودند.

در خلیج فارس که تقریباً گرم‌ترین حوزه‌ی آبی جهان است، اقدام و تحرک گسترده‌ی نظامی نیروهای غیر بومی و ناآشنا در این آب و هوا، کاری بسیار مشکل و پرهزینه است و در صورت استفاده‌ی نیروهای بومی از تجهیزات و سلاح سبک با قابلیت بالا، در استراتژی دفاع ناهم تراز، شکست سنگینی را متوجه متجاوزان خواهد نمود.

ح. شکل، اندازه و وضعیت سواحل جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس

عمده جزایر ایران در خلیج فارس در موازات سواحل قرار دارد و این وضعیت، فرصت مناسبی در جهت دفاع مناسب در دریا و در صورت ضرورت در ساحل ایجاد می‌کند، جزایر، حکم سنگر کمین و موضعی مطمئن برای وارد نمودن ضربات و کاهش توان هر مهاجم می‌توانند، باشد. جمهوری اسلامی ایران بیش از ۴۵ درصد سواحل دریای خلیج فارس را در اختیار دارد. در حالی که کشورهای حاشیه‌ی این دریا (عراق، کویت، قطر، بحرین، عربستان، امارات و عمان) کمتر از ۵۵ درصد سواحل این دریا را آن هم با وضعیت نامناسب در اختیار دارند و این مسئله در طول بیش از ۱۲۰۰ کیلو متر از سواحل خلیج فارس، زمینه و فضای مناسبی را برای ایران در برابر هرگونه تجاوز دشمن ایجاد می‌کند.

سواحل جمهوری اسلامی ایران بر خلاف سواحل جنوب خلیج فارس که کم عمق است و حرکت شناورها در آن به مسیرهای خاصی محدود می‌باشد و به صورت کانالیزه است، دارای وضعیتی بسیار مناسب نظیر اشرف ارتفاعات بر سواحل و دریا، وجود خور و دماغه‌های متعدد کوچک و بزرگ، پوشش گیاهی و رودخانه‌های فراوان است که همه‌ی این عوامل طبیعی، فرصت و زمینه‌های مناسبی را در عملیات و دفاع ناهم تراز در برابر هرگونه مهاجم دشمنان ایجاد می‌کند.



نتیجه‌گیری

از یافته‌های این پژوهش، می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

۱. ارتفاعات ساحلی در حاشیه‌ی مرزهای آبی ایران، می‌تواند نقش تعیین کننده در دفاع بر عهده داشته باشد، مثل نقش تپه مارون‌الراس در لبنان و نبرد ۹ روزه در آن و شکست اسرائیل.
۲. سیستم دفاع موشکی ساحلی و توپ‌های دور زن در الگوی نبرد ناهم تراز، در خلیج فارس، نقش اساسی دارد همانند از بین رفتن چند ناوچه‌ی پیشرفته‌ی اسرائیل در مناطق ساحلی لبنان در دریای مدیترانه.
۳. تقریباً کلیه‌ی جزایر، مناطق ساحلی و آبراه بین‌المللی، در زیر دید و آتشباری ایران از طریق این نقاط قرار دارد.
۴. بواسطه کاهش قدرت مانور نیروی مهاجم تا مناطق میانی تنگه هرمز و همچنین کم شدن عمق آب، ابتکار عمل می‌تواند در الگوی نبرد ناهم تراز، در دست ایران باشد.
۵. مرزهای مقعر همیشه برای دفاع، مناسب است. همین‌طور که مرزهای محدب برای آفند و ناودیس تنگه هرمز، این وضعیت را دارد.
۶. شکل استقرار جزایر واقع در تنگه‌ی هرمز و خلیج فارس در جهت دفاع از سواحل و مرزها و وارد نمودن ضربه‌ی کاری به مهاجمان در قالب سپر دفاعی و سنگرهای کمین و ناوگان‌های ثابت، فرصت طلایی برای ایران است.
۷. جزیره‌ی قشم به عنوان بزرگترین جزیره در خلیج فارس، می‌تواند نقش پشتیبانی را در وسط تنگه بین جزایر به عنوان سرپل‌های دفاعی و سواحل ایجاد کند.
۸. مهم‌ترین ابزار طبیعی دفاع از تنگه‌ی هرمز، جزایر هستند.
۹. تنگه‌های طبیعی ایجاد شده توسط چهار جزیره در منطقه‌ی میانی تنگه‌ی هرمز، فرصت مناسب دفاع را در هرگونه تعرض برای ایران ایجاد کرده است.
۱۰. عمق کم آب در عمده‌ی مناطق خلیج فارس، خاصه در نواحی شمالی، قدرت مانور شناورهای بزرگ و زیر سطحی دشمن را کاهش داده و در مقابل ابتکار عمل ایران را، خصوصاً در زیر آب افزایش داده است.
۱۱. در دفاع ناهم تراز، پوشش گیاهی نقش تعیین کننده در استتار، اختفا، و کارکرد عملیاتی نیروی انسانی، مفرها، تجهیزات وغیره دارد و نمونه‌ی بازر آن در حاشیه‌ی جزیره‌ی قشم موجود است.
۱۲. وضعیت آب و هوایی این حوزه‌ی آبی، نقش تعیین کننده در هر تحرک نظامی دارد.
۱۳. کل ساحل شمال تنگه‌ی هرمز و خلیج فارس (۴۵ درصد) متعلق به ایران است و



بقیه (۵۵ درصد) متعلق به هفت کشور حاشیه‌ی غربی و جنوبی خلیج فارس می‌باشد، و این یک فرصت استثنایی برای ایران است که تا به حال کمتر از آن بهره گرفته است. در خاتمه موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. شناسایی دقیق ارتفاعات، تپه‌های ساحلی و گنبد‌های نمکی در دوران صلح جهت استقرار تسلیحات، احداث مقر و پایگاه‌های دائمی و موقت در کل نوار ساحلی و جزایر.

۲. استقرار موشک‌های ساحل به دریا و توپ‌های دور زن در کل نوار ساحلی و جزایر، با پوشش مناسب.

۳. داشتن آلت‌رناتیوهای فراوان در قالب فریب در هنگام منازعه به صورت فراوان و آماده در نوار ساحلی، جزایر و دریا.

۴. کلیه‌ی سواحل خلیج فارس در استان‌های هرمزگان، بوشهر و خوزستان، دارای جنس خاک یکسان و وضعیت شوری تقریباً همگن می‌باشد، لذا پیشنهاد توسعه‌ی پوشش گیاهی شورپسند در امتداد سواحل خلیج فارس می‌تواند قابل بررسی باشد. در این صورت استتار و اختفای سکوهای موشکی ثابت و متحرک، شناورها، توپخانه‌ی ساحلی و نفرات، به راحتی امکان پذیر می‌باشد.

۴. استفاده از فرصت کم بودن عمق خلیج فارس در جهت مقابله با دشمن با انواع تسلیحات در الگوی نبرد ناهم تراز.

۵. احصای گرای ثبتي کلیه‌ی نقاط حساس تنگه و خلیج فارس شامل بنادر، سواحل، آبراهه‌ی بین‌المللی، جزایر، سکوهای نفتی، کانال‌های ورودی و خروجی، اسکله‌های گوناگون و پایگاه‌های نظامی برای هدف‌گیری در هنگام منازعه با موشک‌ها و توپ‌های دور زن



منابع و مآخذ

- افتخاری، اصغر و مهدی کامکار (۱۳۸۷)، «جنگ ناهم‌تراز، بازشناسی مفهومی»، تهران، نشریه نگرش راهبردی، شماره ۸۹ و ۹۰
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۲)، «کاربرد عملیات روانی در جنگ نامتقارن»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۲۳.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۱)، ژئوپلیتیک خلیج فارس و تنگه هرمز، انتشارات سمت
- چوخاجی زاده مقدم محمد باقر، اخباری محمد، کریمی مرتضی (۱۳۷۹)، مجموعه مقالات جغرافیا، کاربردهای دفاعی و امنیتی، پژوهشکده علوم دفاعی - دانشگاه امام حسین (ع)
- دافوس آجا، (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر جنگ غیر همتراز، انتشارات فرماندهی و ستاد آجا (دافوس آجا)، معاونت آموزش،
- دانیالی، سیاوش (۱۳۸۳)، نبرد ناهم‌تراز، تهران، انتشارات دافوس،
- سفرانچکوف، ایوان (۱۳۸۳)، «چچن: تجربه روسیه از جنگ نامتقارن»، ترجمه محمود فیروزی، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۲۲
- صفوی، سید یحیی (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، جلد سوم، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- _____ (۱۳۸۷)، «الزامات و شرایط برتری در جنگ‌های ناهم‌تراز»، تهران، نشریه نگرش راهبردی، شماره ۸۹ و ۹۰.
- عزتی، عزت الله (۱۳۶۸)، جغرافیای نظامی ایران، موسسه انتشارات امیر کبیر
- _____ (۱۳۹۰)، جغرافیای استراتژیک ایران، جلد اول، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، انتشارات دانشگاه تربیت معلم
- کلهر، رضا ۳۴ (۱۳۸۰)، «اطلاعات در جنگ نامتقارن: درسی از یازدهم سپتامبر»، فصلنامه سیاست دفاعی.
- کمپ جفری و هارکاوی رابرت (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، جلد دوم، منازعات و یافته‌ها) ترجمه سید مهدی حسینی متین،
- کورمونت بارلمی، دارکو ریبنیکار (۱۳۸۵)، جنگ‌های نامتقارن، مترجمین؛ علی سجادی انصاری، غلامرضا آتش‌فراز، نشر آجا
- لینو، ویلیام اس (۱۳۸۴)، «مفهوم نسل چهارم»، ترجمه محمد شاه‌مرادی، تهران، ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی، شماره ۶۱ و ۶۰



- متز، استیون (۱۳۸۰)، «عدم تقارن و جنگ‌های نامتقارن»، ترجمه دکتر رضا کلهر، سیاست دفاعی، شماره ۳۴
- مزروعی، حسین (۱۳۸۴)، «جنگ نامتقارن درآیین تئوری آشوب»، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۵۲ و ۵۳
- مکنزی، (۱۳۸۲) جنگ نامتقارن، ترجمه عبدالمجیدی و محمد تمنایی، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ سپاه،
- نصیری، قدیر (۱۳۸۳)، «ایران؛ چالشها و بایسته های راهبردی در خلیج فارس»، شماره سوم، مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی
- Bellamy, Christopher(2002). “Tools of III Omen: The shifted Conflitot Paracliym and Reduced Role of Conventional Military Power” Cambridge Reviw of International Affairs, No. 1.
- Ellis John,(1994) The Social History of the Machine Gun, Johns Hopkins University Press, Baltimore, X
- Rissingar, Henry (1969). “The Vitnam Negotiations”, Foreign Affairs(Ian) http://www.globalsecurity.org/military/library/report/2003/uscentaf_oif_report_30apr2003
- Thazha Varkey Paul;(1994)Asymmetric Conflicts: War Initiation by Weaker Powers, Cambridge University Press, Cambridge

